

**آنچه که در تحصیل و کنکور به آن نیاز دارید در...**



*Konkur home*

**www.1book.blog.ir**

« جزوات ناب و برتر

« مجموع تست های طبقه بندی شده

« سوالات کنکور سراسری داخل و خارج کشور

« مصاحبه و کارنامه نمرات برتر کنکور

« خدمات دیگر...



**وبسایت**

**فانه کنکور تجربی**

نظراتتون موجب خوشحالی ما و هرچه بهتر شدن سایت می شود

## so, such, too, enough

این درس یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین درس‌های کتابت در نگور است و تا به حال در ۸۶٪ از نگورهای سراسری و ۸۵٪ از نگورهای آزادی که از کتاب درسی فعلی برگزار شده، از آن سؤال آمده است. این درس علاوه بر اهمیت زیادی که دارد، از یک مزیت بزرگ هم برخوردار است و آن این است که در سؤالات مربوط به آن، نشانه‌های زیادی در صورت سؤال وجود دارد که ما را برای پیدا کردن جواب صحیح راهنمایی می‌کند. کافی است بتوانید اسم، صفت و قید را از هم تشخیص دهید و وقتی یک اسم را می‌بینید متوجه شوید که قابل شمارش است یا غیر قابل شمارش. اگر این‌ها را بلد باشید و فرمول‌هایی را که در ادامه می‌فوانید حفظ کنید، جواب دادن به سؤالات این درس برایتان مثل آب خوردن می‌شود.

**so, such, too** و **enough** کلماتی هستند که برای نشان دادن شدت یا مقدار اسم، صفت یا قیدی که همراه آن‌ها آمده به کار می‌روند، ولی سافتارهایی که در آن‌ها استفاده می‌شوند با هم فرق دارند. به همین دلیل باید به فرمول‌هایی که در مورد کاربرد هر یک از این چهار کلمه ارائه می‌کنیم دقت کنید تا به راحتی بتوانید از روی نشانه‌هایی که در جمله آمده تشخیص دهید که کدام یک از این‌ها برای تکمیل جمله مناسب است.

### such

این کلمه به معنی «چنین، چنان» است و قبل از اسم به کار می‌رود (مثال‌های ۱ و ۲). اگر اسم بعد از **such** قابل شمارش مفرد باشد، بعد از **such** باید **a** یا **an** بیآوریم (مثال ۳). ولی اگر این اسم قابل شمارش جمع باشد (مثال ۱) یا غیر قابل شمارش باشد (مثال ۲) **a** یا **an** نمی‌گیرد. اسم بعد از **such** می‌تواند صفت هم داشته باشد؛ به عبارت دیگر، ممکن است بین **such** و اسم، یک صفت هم بیاید (مثال‌های ۴ و ۵).

1. I don't want to drive **such cars**.
2. I don't want to go out in **such weather**.
3. I don't want to drive **such a car**.
4. I don't want to go out in **such bad weather**.
5. I don't want to drive **such an old car**.

۱- من نمی‌خواهم **چنین** ماشین‌هایی را برانم.

۲- من نمی‌خواهم در **چنین** هوایی بیرون بروم.

۳- من نمی‌خواهم **چنین** ماشینی را برانم.

۴- من نمی‌خواهم در **چنین** هوای بدی بیرون بروم.

۵- من نمی‌خواهم **چنین** ماشین کهنه‌ای را برانم.

● گاهی اوقات **such** به معنی «خیلی» هم به کار می‌رود:

I'd like to live in Astara. It's **such** a beautiful city.

من دوست دارم در آستارا زندگی کنم. شهر **خیلی** زیبایی است.

در کلیه فرمول‌های این درس، کلمات و عباراتی که داخل پرانتز آمده‌اند قابل حذف هستند و آمدن یا نیامدنشان بستگی به شرایط جمله دارد. ولی کلمات و عباراتی که بدون پرانتز آمده‌اند تماماً باید در جمله باشند و قابل حذف نیستند.

### so

این کلمه به معنی «آن قدر» یا «خیلی» است و قبل از صفت یا قید به کار می‌رود:

I was **so tired**.  
من **خیلی** خسته بودم.

He speaks **so quickly**.  
او **خیلی** تند حرف می‌زند.

● معمولاً بعد از «قید/صفت + so» یک جمله‌ی کامل (متشکل از فاعل و فعل و ...) همراه **that** می‌آید که «جمله‌ی نتیجه» نامیده می‌شود:

1. I was **so tired** that I couldn't even speak.  
جمله‌ی نتیجه  
صفت

2. He speaks **so quickly** that I can't understand what he says.  
جمله‌ی نتیجه  
قید

۱- من **آن قدر** خسته بودم که (در نتیجه) حتی نمی‌توانستم حرف بزنم.

۲- او **آن قدر** تند حرف می‌زند که (در نتیجه) من نمی‌توانم بفهمم چه می‌گوید.

● همان‌طور که در مثال‌های بالا می‌بینید، وقتی بعد از «قید/صفت + so»، جمله‌ی نتیجه می‌آید، معمولاً **so** «آن قدر» ترجمه می‌شود، ولی وقتی جمله‌ی نتیجه نمی‌آید، معمولاً **so** معنی «خیلی» می‌دهد.

● به‌طور کلی، می‌توانیم کاربرد **so** را در این فرمول خلاصه کنیم:

(جمله‌ی کامل + that) + قید/صفت + so





The question is **too** difficult for me to answer.

این سؤال برای من **آن قدر** سخت است که نمی‌توانم آن را جواب بدهم.

He drives **too** slowly to get there on time.

او **آن قدر** آهسته رانندگی می‌کند که نمی‌تواند به موقع به آنجا برسد.

به‌طور کلی، می‌توانیم کاربرد too را در این فرمول خلاصه کنیم:

(مصدر با to) + (مفعول + for) + قید/صفت + too

## enough

این کلمه دو کاربرد مختلف دارد:

۱. enough می‌تواند به معنی «به اندازه‌ی کافی» باشد و بعد از صفت یا قید بیاید. وقتی enough بعد از یک صفت یا قید می‌آید، نشان‌دهنده‌ی این است که شدت صفت یا قیدی که قبل از enough آمده مناسب است و در نتیجه، انجام کاری را ممکن می‌کند:

1. The question is easy **enough**.

2. He drives fast **enough**.

۱- این سؤال **به اندازه‌ی کافی** آسان است. (در نتیجه می‌توانم آن را جواب بدهم).  
 ۲- او **به اندازه‌ی کافی** سریع رانندگی می‌کند. (در نتیجه می‌تواند به موقع به آنجا برسد).  
 در مورد enough هم درست مثل too، اگر بخواهیم نتیجه‌ای را که داخل پرانتز آوردیم در خود جمله‌ی انگلیسی هم نشان بدهیم، باید آن را به صورت «مصدر با to» (مصدر نتیجه) بیاوریم:

1. The question is easy **enough** for me to answer.

2. He drives fast **enough** to get there on time.

۱- این سؤال برای من **به اندازه‌ی کافی** آسان است که آن را جواب بدهم.  
 ۲- او **به اندازه‌ی کافی** سریع رانندگی می‌کند که به موقع به آنجا برسد.  
 ۲. enough می‌تواند به معنی «کافی» باشد و قبل از اسم بیاید. اسمی که بعد از enough می‌آید یا باید غیرقابل‌شمارش باشد و یا قابل‌شمارش جمع. به عبارت دیگر، بعد از enough اسم قابل‌شمارش مفرد به کار نمی‌رود:

1. Do we have enough time to have a coffee before our flight?

مصدر نتیجه اسم غیرقابل‌شمارش

2. There aren't enough chairs for everyone to sit down.

مصدر نتیجه اسم قابل‌شمارش جمع

۱- آیا وقت **کافی** داریم که قبل از پروازمان یک قهوه بنوشیم؟

۲- صندلی **کافی** برای این که همه بنشینند وجود ندارد.

به‌طور کلی، می‌توانیم کاربرد enough را در این فرمول خلاصه کنیم:

(مصدر با to) + (مفعول + for) +  $\left. \begin{array}{l} \text{enough} + \text{صفت} \\ \text{enough} + \text{اسم} \end{array} \right\}$

بعد از such هم مثل so، معمولاً جمله‌ی نتیجه (جمله‌ی کامل + that) می‌آید:

It was **such** an interesting movie that I couldn't stop watching it.

اسم جمله‌ی نتیجه

**چنان** فیلم جالبی بود که (در نتیجه) نمی‌توانستم دست از تماشا کردن آن بردارم.

They are **such** kind people that everybody likes them.

اسم جمله‌ی نتیجه

آن‌ها **چنان** افراد مهربانی هستند که (در نتیجه) همه دوستشان دارند.

به‌طور کلی، می‌توانیم کاربرد such را در این فرمول خلاصه کنیم:

(جمله‌ی کامل + that) + اسم + (صفت) + such + (a/an)

می‌توان **that** را از اول جمله‌ی نتیجه حذف کرد. هیچ تغییری هم در معنای جمله ایجاد نشود. ولی این حالت بیشتر در انگلیسی محاوره‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد و بعید است در کنکور **that** حذف شود.

I was so tired **that** I couldn't even speak.

It was such an interesting movie **that** I couldn't stop watching it.

## too

این کلمه به معنی «بیش از حد، خیلی» است و قبل از صفت یا قید به کار می‌رود. وقتی too قبل از یک صفت یا قید می‌آید، به جمله مفهوم منفی می‌دهد و نشان‌دهنده‌ی این است که شدت صفت یا قیدی که بعد از too آمده آن قدر زیاد است که در نتیجه، انجام کاری را غیرممکن می‌کند:

1. The question is **too** difficult.

صفت

2. He drives **too** slowly.

قید

۱- این سؤال **بیش از حد** سخت است. (در نتیجه نمی‌توانم آن را جواب بدهم).  
 ۲- او **بیش از حد** آهسته رانندگی می‌کند. (در نتیجه نمی‌تواند به موقع به آنجا برسد).  
 در ترجمه‌ی دو مثال بالا، نتیجه را داخل پرانتز آورده‌ایم. اگر بخواهیم در خود جمله‌ی انگلیسی هم این نتیجه را نشان بدهیم، باید آن را به صورت «مصدر با to» در جمله بیاوریم. این مصدر با to «مصدر نتیجه» نامیده می‌شود:

1. The question is **too** difficult for me to answer.

صفت

مصدر نتیجه

2. He drives **too** slowly to get there on time.

مصدر نتیجه قید

۱- این سؤال برای من **بیش از حد** سخت است که بتوانم آن را جواب بدهم.

۲- او **بیش از حد** آهسته رانندگی می‌کند که بتواند به موقع به آنجا برسد.

ترجمه‌ی دو مثال آخر کمی غیرعادی به نظر می‌رسد. وقتی بعد از «قید/صفت + too» مصدر نتیجه می‌آید، برای این که ترجمه‌ی بهتری داشته باشیم، در بعضی جملات می‌توانیم too را «آن قدر» ترجمه کنیم و مصدر نتیجه را به صورت «که نتوانستن کاری را انجام دادن!» بیاوریم. حالا بیایید با استفاده از این روش دو مثال بالا را دوباره ترجمه کنیم:

توجه داشته باشید که بعد از many و few اسم قابل شمارش جمع، و بعد از much و little اسم غیرقابل شمارش می‌آید. مثلاً در جملات زیر، people, questions, friends قابل شمارش جمع هستند و work, noise و money غیرقابل شمارش می‌باشند:

1. There were **so many** people in the bus that I couldn't find a seat.
2. There were **so few** people in the bus that I could easily find a seat.
3. She had **so much** work to do that she couldn't come to the party with us.
4. She had **so little** work to do that she could come to the party with us.
5. You ask **too many** questions, and I don't have enough time to answer all of them.
6. He feels lonely because he has **too few** friends.
7. I couldn't sleep last night because there was **too much** noise in the room.
8. I have **too little** money to buy a car.

- ۱- آن قدر افراد زیادی در اتوبوس بودند که توانستم یک صندلی (خالی) پیدا کنم.
- ۲- آن قدر افراد کمی در اتوبوس بودند که به راحتی توانستم یک صندلی (خالی) پیدا کنم.
- ۳- او آن قدر کارهای زیادی برای انجام دادن داشت که نتوانست با ما به مهمانی بیاید.
- ۴- او آن قدر کارهای کمی برای انجام دادن داشت که نتوانست با ما به مهمانی بیاید.
- ۵- شما سؤالات خیلی زیادی می‌پرسید و من وقت کافی برای جواب دادن به همه‌ی آنها ندارم.
- ۶- او احساس تنهایی می‌کند چون دوستان خیلی کمی دارد.
- ۷- من دیشب نتوانستم بخوابم چون سر و صدای خیلی زیادی در اتاق بود.
- ۸- من پول خیلی کمی برای خریدن ماشین دارم.

یکی از اشتباهاتی که خیلی از زبان‌آموزان مرتکب آن می‌شوند این است که در جملات حاوی too یا enough، فاعلی را که در ابتدای جمله آمده، بعد از مصدر نتیجه دوباره به صورت مفعولی می‌آورند. حواستان باشد که شما دچار این اشتباه نشوید:

1. These problems are **too** difficult for me to solve ~~them~~.
  2. The box is **light enough** for me to lift ~~it~~.
- ۱- این مسئله‌ها برای من بیش از حد دشوارند که بتوانم آنها را حل کنم.  
(این مسئله‌ها برای من آن قدر دشوارند که نمی‌توانم آنها را حل کنم.)
- ۲- این جعبه برای من به اندازه‌ی کافی سبک است که آن را بلند کنم.
- ولی در مورد so و such این‌طور نیست. از آنجایی که در جملات حاوی so و such، جمله‌ی نتیجه یک جمله‌ی کامل است، می‌توانیم اسمی را که به صورت فاعلی در جمله‌ی قبل آمده بود، به صورت مفعولی در جمله‌ی نتیجه تکرار کنیم:
1. These problems are **so** difficult that I can't solve them.
  2. It is **such** a light box that I can lift it.
- ۱- این مسئله‌ها آن قدر دشوارند که من نمی‌توانم آنها را حل کنم.
- ۲- چنان جعبه‌ی سبکی است که من می‌توانم آن را بلند کنم.

### آزادی‌ها بخوانند!

همان‌طور که گفتیم، بعد از so و too باید صفت یا قید بیآوریم. ولی این دو کلمه می‌توانند در یک ساختار دیگر هم به کار بروند که این ساختار در کنکورهای سراسری کاربرد چندانی ندارد، اما طراحان کنکورهای آزاد اهمیت زیادی به آن می‌دهند. این ساختار به این صورت است که بعد از so و too می‌توانیم از many, much, few و little استفاده کنیم که در این صورت بعد از این ترکیب‌ها اسم می‌آید، نه صفت یا قید. اگر دو فرمول زیر را حفظ باشید می‌توانید تمام سؤالات مربوط به این ساختار so و too را به راحتی جواب دهید:

$$\text{so} + \left\{ \begin{array}{l} \text{many / few} \\ \text{much / little} \end{array} \right\} + \text{اسم} + (\text{to}) + (\text{that}) + \text{جمله‌ی کامل}$$

$$\text{too} + \left\{ \begin{array}{l} \text{many / few} \\ \text{much / little} \end{array} \right\} + \text{اسم} + (\text{to})$$

۱- اگر داوطلب کنکور سراسری هستید و نمی‌خواهید در کنکور آزاد شرکت کنید، لازم نیست این نکته را بخوانید. اگر این‌طور است، همین حالا تست‌های شماره‌ی ۴۴ تا ۵۸ از بخش تست‌های تالیفی و تست‌های شماره‌ی ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۸ و ۱۲۰ از بخش تست‌های کنکورهای آزاد را فقط بزنید، چون این تست‌ها مربوط به این نکته هستند و شما به آنها نیاز ندارید.





## اسامی غیرقابل شمارش

جدول زیر شامل مهم‌ترین اسم‌های غیرقابل شمارشی است که در کتابتان به کار رفته‌اند:

access	confidence	handwriting	information	milk	power	steam
advice	damage	happiness	involvement	money	pressure	sugar
aid	density	hardware	iron	music	production	support
air	destruction	harm	knowledge	news	progress	tea
attention	electricity	health	labor	nutrition	rain	traffic
behavior	employment	help	love	oxygen	respect	transportation
blood	energy	homework	luck	paper	rice	trash
bread	fun	honesty	mail	peace	rubbish	trouble
butter	eyesight	humor	mankind	permission	smoke	water
coffee	grass	ice	meat	pollution	snow	weather
concentration	guidance	importance	midnight	poverty	software	work



## در یک نگاه

$$\left. \begin{array}{l} \text{so} + \text{قید/صفت} \\ \text{such} + (\text{a/an}) + (\text{صفت}) + \text{اسم} \end{array} \right\} + (\text{that} + \text{جمله‌ی کامل})$$

$$\left. \begin{array}{l} \text{too} + \text{قید/صفت} \\ \text{enough} + \text{قید/صفت} \\ \text{enough} + \text{اسم} \end{array} \right\} + (\text{for} + \text{مفعول}) + (\text{to} \text{ با مصدر})$$